TRANSCRIPT · EPISODE 212

Viral English: Parasocial — When a Creator Feels Like a Friend

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

61 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Martin, have you ever watched a creator so often that their voice feels familiar?

مارتین، آیا تا به حال آن‌قدر یک تولیدکننده محتوا را دیده‌ای که صدایش برایت آشنا باشد؟

Yes, sometimes I recognise the way they speak before I even see the screen.

بله، گاهی حتی پیش از دیدن صفحه، شیوه صحبتش را تشخیص می‌دهم.

You might hear people describe a connection like that as parasocial.

شاید بشنوی مردم چنین ارتباطی را پاراسوشال یا شبه‌اجتماعی توصیف می‌کنند.

Welcome to Viral English, from Your English Toolbox.

به Viral English از Your English Toolbox خوش آمدید.

Today we are exploring the phrase parasocial relationship.

امروز عبارت parasocial relationship یعنی رابطه شبه‌اجتماعی را بررسی می‌کنیم.

It appears in conversations about creators, celebrities, and fictional characters.

این عبارت در گفتگوها درباره تولیدکنندگان محتوا، افراد مشهور و شخصیت‌های داستانی دیده می‌شود.

Before we explain it, imagine you watch a creator every week.

پیش از توضیح، تصور کن هر هفته یک تولیدکننده محتوا را تماشا می‌کنی.

You know their stories, their favourite films, and their usual jokes.

داستان‌ها، فیلم‌های محبوب و شوخی‌های معمول او را می‌شناسی.

Does that automatically mean you are close personal friends?

آیا این خودبه‌خود یعنی شما دوستان صمیمی هستید؟

Not necessarily.

نه لزوما.

A parasocial relationship is a sense of connection someone feels with a public figure or character they do not know personally.

رابطه شبه‌اجتماعی احساس ارتباطی است که کسی با یک چهره عمومی یا شخصیت دارد، در حالی که او را شخصا نمی‌شناسد.

It is often described as one-sided.

این رابطه اغلب یک‌طرفه توصیف می‌شود.

That means the follower may know a lot about the creator, while the creator does not know that particular follower in the same personal way.

یعنی دنبال‌کننده ممکن است چیزهای زیادی درباره تولیدکننده بداند، در حالی که تولیدکننده آن دنبال‌کننده خاص را به همان شکل شخصی نمی‌شناسد.

The word is not new, and the idea did not begin with social media.

این واژه جدید نیست و این ایده با رسانه‌های اجتماعی آغاز نشد.

People have discussed connections with performers and fictional characters for many years.

سال‌هاست که مردم درباره ارتباط با هنرمندان و شخصیت‌های داستانی صحبت می‌کنند.

But the word is useful today when people talk about videos, podcasts, and online communities.

اما امروز هنگام گفتگو درباره ویدیوها، پادکست‌ها و جوامع آنلاین این واژه مفید است.

Let us say the phrase slowly.

بیایید عبارت را آهسته بگوییم.

Parasocial relationship.

Parasocial relationship: رابطه شبه‌اجتماعی.

Now listen in a sentence.

حالا آن را در یک جمله بشنوید.

She feels a parasocial connection with a writer she has followed for years.

او با نویسنده‌ای که سال‌ها دنبال کرده احساس ارتباط شبه‌اجتماعی دارد.

That sentence describes her sense of connection, not a confirmed personal friendship.

این جمله احساس ارتباط او را توصیف می‌کند، نه یک دوستی شخصی تأییدشده را.

Our first related phrase is feel connected to someone.

اولین عبارت مرتبط ما feel connected to someone یعنی احساس ارتباط با کسی است.

You might feel connected to a creator because their stories are meaningful to you.

ممکن است با تولیدکننده‌ای احساس ارتباط کنی چون داستان‌هایش برایت معنادارند.

The phrase does not by itself tell us whether the connection is mutual.

این عبارت به تنهایی به ما نمی‌گوید که آیا ارتباط دوطرفه است یا نه.

Our second phrase is one-sided relationship.

عبارت دوم ما one-sided relationship یعنی رابطه یک‌طرفه است.

One-sided means the involvement or knowledge is not shared equally by both sides.

One-sided یعنی میزان مشارکت یا شناخت در دو طرف به‌طور برابر مشترک نیست.

For example, a listener may recognise a presenter's voice while the presenter has never met that listener.

برای مثال، شنونده‌ای ممکن است صدای مجری را بشناسد، در حالی که مجری هرگز او را ملاقات نکرده است.

That does not mean listening to a podcast is a bad thing.

این بدان معنا نیست که گوش دادن به پادکست کار بدی است.

Enjoying someone's work, learning from it, or feeling comforted by it is not automatically a problem.

لذت بردن از کار کسی، یاد گرفتن از آن یا آرامش یافتن با آن خودبه‌خود مشکل نیست.

And simply being a fan does not necessarily mean someone has a parasocial relationship.

و صرفا طرفدار بودن لزوما به این معنی نیست که کسی رابطه شبه‌اجتماعی دارد.

The phrase becomes useful when we want to describe the feeling of a personal connection that is not a mutual friendship.

این عبارت زمانی مفید است که بخواهیم احساس ارتباط شخصی را توصیف کنیم که دوستی متقابل نیست.

We can also use more everyday language.

همچنین می‌توانیم از زبان روزمره‌تر استفاده کنیم.

For example, I feel as if I know that creator, even though we have never met.

برای مثال: احساس می‌کنم آن تولیدکننده را می‌شناسم، با اینکه هرگز همدیگر را ندیده‌ایم.

Or, their videos feel familiar to me.

یا: ویدیوهایش برایم آشنا هستند.

There is another useful distinction in the word mutual.

در واژه mutual یک تمایز مفید دیگر وجود دارد.

Mutual means shared by both people or sides.

Mutual یعنی چیزی که میان هر دو فرد یا طرف مشترک باشد.

If two friends know and support each other, their friendship can be mutual.

اگر دو دوست یکدیگر را بشناسند و حمایت کنند، دوستی‌شان می‌تواند متقابل باشد.

In a parasocial connection, the feeling of knowing someone is generally not shared in the same personal way.

در ارتباط شبه‌اجتماعی، احساس شناختن کسی معمولا به همان شکل شخصی در هر دو طرف مشترک نیست.

Online interaction can be more complicated than this example, so pay attention to the actual situation.

تعامل آنلاین ممکن است از این مثال پیچیده‌تر باشد، پس به موقعیت واقعی توجه کن.

Our goal is to understand the language, not to label every listener or creator.

هدف ما فهمیدن زبان است، نه برچسب زدن به هر شنونده یا تولیدکننده.

Everyday sentences may be clearer than using a technical word in every conversation.

جمله‌های روزمره ممکن است روشن‌تر از استفاده از یک واژه تخصصی در هر گفتگو باشند.

Consider one more example from a familiar setting.

یک مثال دیگر را در موقعیتی آشنا در نظر بگیر.

A listener hears the same radio host every morning on the way to work.

شنونده‌ای هر صبح در راه کار به همان مجری رادیو گوش می‌دهد.

Over time, the host's voice and stories may become part of the listener's daily routine.

با گذشت زمان، صدا و داستان‌های مجری ممکن است بخشی از روال روزانه شنونده شود.

The listener might feel that the host is familiar and comforting.

ممکن است شنونده حس کند مجری آشنا و آرامش‌بخش است.

That feeling can be meaningful, even if the host does not know the listener personally.

این احساس می‌تواند معنادار باشد، حتی اگر مجری شنونده را شخصا نشناسد.

The word parasocial describes the kind of connection, rather than telling us whether the listener is right or wrong.

واژه شبه‌اجتماعی نوع ارتباط را توصیف می‌کند، نه اینکه بگوید شنونده درست یا اشتباه می‌کند.

When a writer uses the word critically, look at the surrounding sentence to understand the point they are making.

وقتی نویسنده‌ای واژه را به شکل انتقادی به کار می‌برد، برای فهم منظورش به جمله اطراف آن نگاه کن.

Now let us practise.

حالا تمرین کنیم.

Someone enjoys a musician's songs but knows almost nothing about the musician's life.

کسی از آهنگ‌های یک موسیقی‌دان لذت می‌برد، اما تقریبا چیزی درباره زندگی او نمی‌داند.

Can we automatically say that they have a parasocial relationship?

آیا می‌توانیم خودبه‌خود بگوییم او رابطه شبه‌اجتماعی دارد؟

No, enjoying the music alone does not establish that.

نه، لذت بردن از موسیقی به تنهایی چنین چیزی را ثابت نمی‌کند.

Here is another example.

این هم مثال دیگری است.

A viewer feels personally close to a creator they watch often, although the creator does not know them personally.

بیننده‌ای با تولیدکننده‌ای که اغلب تماشا می‌کند احساس نزدیکی شخصی دارد، هرچند تولیدکننده او را شخصا نمی‌شناسد.

What phrase might describe that connection?

چه عبارتی می‌تواند این ارتباط را توصیف کند؟

A parasocial relationship, or a parasocial connection.

رابطه شبه‌اجتماعی یا ارتباط شبه‌اجتماعی.

The context matters, and we should avoid using the word to judge someone too quickly.

زمینه مهم است و نباید با این واژه خیلی زود درباره کسی قضاوت کنیم.

On our website, you can review the meaning, examples, and usage notes for this expression.

در وب‌سایت ما می‌توانید معنی، مثال‌ها و نکته‌های کاربرد این عبارت را مرور کنید.

The link is in the episode description.

پیوند در توضیحات این قسمت است.

Thanks for joining us for Viral English.

از همراهی شما در Viral English سپاسگزاریم.

See you next time.

تا دیدار بعد.